

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## جلسه شانزدهم

### رستاخیز اجتماعی نبوت

بعثت پس به معنای یک انگیزش، یک انقلاب، یک تحول، یک دگرگونی، یک رستاخیز، هر تعبیری که مایلید ردیف کنید، در وجود نبی و پیامبر برگزیده است. بعد از آنی که این انقلاب در او به وجود آمد؛ آن وقت نبوت آن است که همین انقلاب در محیط خارجی انجام بگیرد. همان تحولی که در روح نبی ایجاد شد؛ باید به یک شکلی، با یک وضع خاصی در متن واقعیت اجتماع انجام بگیرد. و این همان مطلبی است که ما اسم او را گذاشته‌ایم "رستاخیز اجتماعی نبوت".

یک جامعه یعنی آن عده مردمی که دور هم زندگی می‌کنند با یک خط مشی، با یک برنامه عمومی، اگرچه صدر و ذیل دارد اما راه به‌طور کلی یک راه و در یک مسیر است؛ این را می‌گویند یک جامعه، یک واحد اجتماعی به هم بسته. این جامعه‌ای که عبارتست از 50 هزار، 500 هزار، 5 میلیون، 50 میلیون آدم، این دو جور ممکن است ساخته شود. یک ساختمان اجتماع است که مردم همه‌شان یا اکثریتشان برده و اسیرند در مقابل انسان‌های دیگر؛ یک نوع ساختمان و بنای اجتماعی داریم که مردمان همه‌شان آزادند از اسارت قدرت‌های دیگر.

اجتماعات نوع اول که در آن تبعیض هست؛ آن‌ها اجتماعاتی است که قیصره و اکاسره عالم و جباران تاریخ، آن اجتماعات را به‌وجود می‌آوردند. و اجتماعات نوع دوم اجتماعات آباد و آزاد و بی‌تبعیض و انسانی؛ همان اجتماعاتی است که انبیای عظام الهی در طول تاریخ به‌وجود می‌آوردند. می‌گویید مگر انبیا جامعه تشکیل دادند؟! در جواب می‌گوییم بله! انبیا جامعه‌ها تشکیل دادند. در قرآن نشانه‌ی جامعه‌هایی که انبیا تشکیل دادند فراوان است. ماجرای سلیمان، ماجرای طالوت، ماجرای موسی و آمدنش به سرزمین مقدس.

وقتی که نبی وارد اجتماع می‌شود؛ با این ایده، با این هدف، با این فکر وارد اجتماع می‌شود که آن جامعه طبقاتی را دگرگون کند، ویران کند، در هم بریزد و یک جامعه توحیدی بی‌طبقه‌ی بی‌تبعیض بی‌ظلم تحت حکومت پروردگار عالم به وجود بیاورد. نبی برای این کار می‌آید.

اگر پیغمبر وقتی وارد اجتماع شد؛ وقتی سخن انقلابی خود را زد یعنی به فرعون گفت که تو نباید آنجا بنشین و نباید بنی‌اسرائیل را این قدر در فشار قرار بدهی و نباید طبقات مختلف اجتماعی بسازی؛ وقتی که این را به فرعون گفت؛ اگر فرعون گفت به چشم، من حاضرم، فرمایش شما را می‌شنوم، از آنجا می‌آیم پایین، بعد پیغمبر بنا می‌کند با دست صنّاعِ قدرتمند خود اجتماع را ساختن؛ هیچ آب هم از آب تکان نمی‌خورد!

علت این که زد و خورد و درگیری در انقلاب‌های انبیا پیش می‌آید که خدا در قرآن می‌گوید « وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ » ای بسا پیامبرانی که خداپرستان بسیاری در رکاب آن‌ها جنگیدند یا جهاد در اسلام تشریح می‌شود؛ علت این است که آن طبقه مرفّه، آن طبقه‌ای که لبه تیز انقلاب به طرف اوست و امتیازات از او گرفته می‌شود؛ او حاضر نیست به این انقلاب!

در تمام جامعه‌هایی که پیغمبر ظهور کرده؛ با این داعیه ظهور کرده. یعنی آمده تا جامعه را از شکلی غلط، از شکلی ناموزون، از شکلی توأم با ظلم و جور و ستم تبدیل کند به شکلی موزون، به شکلی زیبا، به شکلی عادلانه! این یک مطلب.

"رستاخیز نبوت" این است. هر نبی که در هر اجتماعی مبعوث شده و ظهور کرده؛ برای این ظهور کرده. این را بدانید. به طور کلی هیچ پیغمبری نبوده که آمده باشد تا برای مردم یک مقدار مسائل فرعی و جزئی زندگی را بیان کند!

پایان

تهیه شده در طرح تبیین منظومه فکری رهبری